



## ضرورت‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در جهان امروز

در شماره گذشته انقلاب علمی و فنی و انقلاب در آموزش و پرورش، آموزش علوم و تکنولوژی و توسعه و نقش اجتماعی - فرهنگی آموزشهای فنی و حرفه‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اینک ادامه مقاله از نظر گرمای تان می‌گذرد.

### اهمیت سیاسی آموزش فنی و حرفه‌ای

در سخن گفتن از آموزش فنی و حرفه‌ای و گسترش علوم و فنون، بدون تردید باید مسأله استعمار نیز بررسی شود، چراکه گسترش علوم و فنون به دنبال نفوذ سیاسی استعمارگران در جهان آغاز شده است.

به دنبال توسعه دامنه نفوذ استعمارگران و افزایش تولید و رواج تجارت و مبادلات بین‌المللی، کار اقتصاد جهان از دایره تنگ و محدود منطقه‌ای درآمد و به یک اقتصاد جهانی تبدیل شد. این وضع

همراه با رشد دم به دم علوم و فنون، آنچنان ثروتی برای سرمایه‌داری اروپا، به ویژه اروپای غربی فراهم آورد که با هیچ جای جهان قابل مقایسه نیست. پالمر در این باره می‌گوید: "ثروتی که در سواحل غربی اروپا، در کرانه آتلانتیک، جمع گردید، به هیچ وجه فقط بر اثر مجاهدت مردم اروپای غربی نبود، بلکه تمامی جهان به تشکیل آن کمک کرد. منابع طبیعی آمریکای شمالی و جنوبی، منابع و فنون آسیا، طلا و کارگر آفریقا، همه صرف تهیه مقادیر معتابیهی کالا گردید که در دنیای تجارت به گردش درآمد." (پالمر، جلد ۱، صفحه ۳۰۰)

این ثروت که خود در تولید مجدد و تجارت وسیعتر به کار گرفته شد، سرانجام در میانه قرن هیجدهم شرایط تحوّل صنعتی عظیمی را فراهم آورد که به درستی شایسته صفت انقلاب بود.

نگاهی کوتاه به برنامه‌های نظام‌های آموزشی کشورهای استعمار زده گویای این واقعیت است که اکثر درسهای برنامه‌های آموزشی این کشورها را درسهای نظری تشکیل می‌دهد و بار درس و برنامه‌های فنی و حرفه‌ای یا بسیار کم است و یا در صورت وجود این نوع آموزشها، چندان تفاوتی از نظر بهره‌وری با آموزشهای نظری ندارد (جدول شماره ۳).

آن زمان هم که شکل استعمار از صدور کالا به صدور سرمایه و تکنولوژی مبدل شد، این بار نیز استعمارگران کوشیدند برای سرمایه‌ها و تکنولوژی خود نیروی انسانی در حد متوسط تربیت کنند که فقط بتوانند در بخش نه چندان حیاتی فرایند تولید شرکت کنند و با دستمزد و هزینه ارزان کالاهای مورد نظر استعمارگران را تولید کنند، بدون اینکه در این فرایند اجازه دستیابی به دانش تکنولوژی را داشته باشند.

اینجا نیز باید به این نکته اشاره کرد که آموزشهای استعماری دوکارکرد ارتجاعی و سازنده داشته است. به بخش ارتجاعی آن مختصر اشاره‌ای شد، اما بخش سازنده و مثبت آن این بود که کشورهای استعمار زده توانستند به سطوحی از آگاهیهای علمی و فنی دست یابند که همین دستاوردها در برخی از کشورها که به استقلال سیاسی رسیدند، سکویی شد برای حرکت به سوی برنامه‌ریزی‌های گوناگون، از آن جمله آموزشهای فنی و حرفه‌ای.

از نظر آموزشهای فنی و حرفه‌ای باید گفت که در شرایط کنونی کشورهای در حال توسعه، چه آنهایی که استقلال سیاسی یافته و چه آنهایی که هنوز زیر سلطه مستقیم جهان‌خواران هستند، بنیاد و ریشه این آموزشها در همان آموزش و پرورش استعماری قرار دارد و لازم است در برنامه‌ریزیهای آموزشی به این نکته توجه کرد که صرف آموختن علوم و فنون و پیشه و حرفه نمی‌تواند برای این کشورها نجات بخش باشد، بلکه ضرورت دارد همراه و همگام با برنامه‌های گوناگون آموزشهای فنی و حرفه‌ای،

از نتایج این تحولات در قرن هیجدهم پیدایی طبقه وسیعی به نام طبقه متوسط یا بورژوا بود که محور اصلی تولید را در دست داشت و سرانجام پس از دهها سال جنگ و گریز، در اواخر قرن هیجدهم نظام کهن اجتماعی را فرو ریخت و نظام سرمایه‌داری را جایگزین آن کرد.

تمدنی که سرمایه‌داران اروپایی (بورژوازی) فراهم کردند سرشار از تنعم و ثروت و رفاه و آسودگی برای طبقات بالا و متوسط و مملو از تضادها و تعارضات اجتماعی نسبت به تهیدستان و فرودستان یا تولیدکنندگان واقعی جامعه بود. این وضع از جنبه داخلی، استثمار طبقه جدید و از جنبه خارجی، استعمار جدید جهانی را موجب شد.

استعمار که از قرنهای پیش عادت ثانویه دولتهای اروپایی شده بود، در قرن نوزدهم ابعاد بسیار وسیع و گسترده‌ای یافت و هیچ قطعه‌ای از جهان از جریان مستعمره‌سازی در امان نماند. حتی کشورهای آمریکای لاتین که در اوایل قرن نوزدهم از قید استعمار فرتوت اسپانیا و پرتغال رسته بودند، تحت قیمومیت غارتگرانه و نو استعماری آمریکا قرار گرفتند (ویلکوس و دسا، ۱۳۵۲). هرچه بر توان تولیدی و علمی و فنی این کشورهای استعمارگر افزوده می‌شد، آزمندی آنان برای استعمار و استثمار کشورهای تحت سلطه بیشتر می‌شد.

یکی از راههای این سلطه آموزش و پرورش بود. کشورهای سلطه‌گر که در کلیه سطوح اقتصادی و سیاسی کشورهای زیرسلطه نفوذ کرده بودند، کوشیدند این سلطه را از طریق سلطه فرهنگی پرئبسات‌تر کنند. در نتیجه، سیاستهای آموزشی استعماری را یکی پس از دیگری در کشورهای استعمار زده اجرا کردند. آن زمان که نیاز به صدور کالا داشتند، اجازه ندادند آموزش و پرورش کشورهای استعمارزده، براساس نیازهای ملی گسترش یابد. در هر یک از این کشورها و مطابق با سیاستهای استعماری‌شان دست به طراحانی نوعی آموزش زدند که به آموزشهای استعماری مشهور است (کارنوی، ۱۳۶۵).

نفر. بدین ترتیب حدود ۷۵٪ پزشکان تحصیل کرده کشور، پس از پایان تحصیلات وارد بازار کار نشده‌اند. به احتمال زیاد این عده به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند و با توجه به اینکه در سال ۱۳۴۵ حدود ۱۶۰۰۰ پزشک ایرانی یعنی رقمی بیش از دوبرابر عده پزشکان ایرانی موجود در ایران، در تاریخ مذکور، در خارج از کشور اقامت داشته‌اند، می‌توان به روشنی به اهمیت سیاسی آموزش فنی و حرفه‌ای و سیاستهای نواستعماری استعمارگران پی برد (معاونت برنامه‌ریزی، ۱۳۵۵).

براساس مطالعه دبیرخانه کنفرانس تجارت و توسعه (UNCTAD) سازمان ملل، فقط ایالات متحده آمریکا سالانه ۳۷۰۰ میلیون دلار از قِبل سرازیر شدن متخصصان کشورهای در حال توسعه به آن کشور سود می‌برد.

التباخ در توضیح استعمار نو و وضعیت دانش در جهان سوم می‌نویسد: «جهان سوم یک «تعادل نامتناسب داد و ستد فکری» را متحمل می‌شود. فرآورده‌های دانش را بیشتر وارد می‌کند تا اینکه صادر کند ... چند و چون جریان دانش و اطلاعات را مجموعاً ملل صنعتی تعیین می‌کنند و بنابراین قبل از رسیدن به مخاطبان جهان سوم، در میان مؤسسات انتشاراتی و مجلات و سازمانهای دانشگاهی آنها، از صافی می‌گذرد. به طور خلاصه جهان سوم خود را با وضعیت قدیمی وابستگی به ملل صنعتی روبرو می‌یابد.

پس، جهان سوم، فقط از اسارت استعماری گریخته است تا به دوره‌ای از وابستگی در استعمار نو بایگذارد (التباخ، ۱۳۷۰، صفحه ۲۷۰). وی افزوده است که معنی استعمار نو یعنی ادامه تسلط مستقیم یا غیرمستقیم ملل صنعتی بر جهان سوم. بنابراین گسترش وسایل مستقیم برای ایجاد و توزیع دانش توسط کشورهای جهان سوم باید به عنوان هدفی محوری و مهم در نظر گرفته شود.

دست اندرکاران و هنرجویان و آموزشگرایان را با واقعیه‌های تاریخی و سیاسی این جوامع آشنا کرد و آگاهی اجتماعی و سیاسی آنان را رشد و توسعه داد. غم‌انگیزترین و تلخ‌ترین واقعیت در کشورهای در حال توسعه که باید مورد توجه قرار گیرد، فرار مغزها یا دزدی مغزها از سوی کشورهای غربی است. متأسفانه به سبب نبودن امکان فعالیت برای برخی از متخصصان داخلی، نیز به سبب عدم آگاهی سیاسی و اجتماعی برخی از این متخصصان، هرساله میلیاردها دلار سرمایه ملی به این طریق راحت و آسان در اختیار کشورهای غربی قرار می‌گیرد. آمار نشان می‌دهد که از سال ۱۹۶۱ تا سال ۱۹۸۰ بیش از ۵۰۰/۰۰۰ کارشناس کشورهای جهان سوم به کشورهای غربی مهاجرت کرده‌اند. آمریکا از فرار مغزهای کشورهای توسعه نیافته یا در حال رشد در ۳۰ سال اخیر ۱۰۰/۰۰۰ میلیون دلار سود برده است و دزدیدن ۷۵٪ مغزها توسط ایالات متحده آمریکا و کانادا و انگلستان انجام می‌گیرد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱).

در اولین سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود ۱۲۰ هزار نفر محصل و دانشجو در خارج از کشور مشغول تحصیل بودند (مجله فرهنگ و انقلاب، شماره ۳). با توجه به اینکه معدودی از این محصلان به کشور باز می‌گردند، هزینه‌های مصرف شده برای آموزش این افراد در ایران و خارج از کشور قابل توجه خواهد بود.

بسیاری از متخصصان درست زمانی به کشورهای غربی فرار می‌کنند که باید تخصصشان را در راه رفع نیازهای کشور صرف کنند. برای نمونه در سال ۱۳۴۵ فقط ۷۹۶۰ پزشک ایرانی در کشور فعالیت داشته‌اند. با توجه به اینکه بازده سالانه دانشکده‌های پزشکی کشور در آن تاریخ حدود ۶۵۰ نفر بوده است، اصولاً می‌بایست عده پزشکان کشور بین سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۴، رقمی در حدود ۶۵۰۰ نفر می‌بود، اما آمار نشان می‌دهد که طی ده سال مذکور فقط ۱۷۰۰ پزشک به جامعه پزشکان کشور اضافه شده است، یعنی به طور متوسط سالانه ۱۷۰

## نگاهی به آموزش و پرورش استعماری در ایران

عملی. شاید بتوان گفت در تاریخ معاصر ایران این نخستین بار بوده که در یک مدرسه رسمی، همراه دروس نظری درسهای عملی نیز آموزش داده می‌شد. پس از آن، مدارس در برخی از نقاط کشور تأسیس شد که علاوه بر دروس نظری به دروس فنی و حرفه‌ای نیز می‌پرداختند. از جمله این مدارس می‌توان از دارالفنون، مدرسه نقاشی مجانی، مدرسه دولتی تبریز، مدرسه همایونی اصفهانی، مدرسه فلاح مظفری، مدرسه ایوان و آلمان، مدرسه صنایع مستظرفه تهران، مدرسه پرستاری، مدرسه فلاح رشت، مدرسه صنایع مستظرفه تبریز، مدرسه قابلگی، مدرسه فلاح تهران، مدرسه تجارت تبریز و هنرستان صنعتی تهران نام برد (قاسمی پویا، ۱۳۶۹/مرجانی، ۱۳۷۰).

در سال ۱۳۱۳ فقط ده مدرسه حرفه‌ای در ایران وجود داشت؛ یک دبیرستان کشاورزی و نه هنرستان صنعتی (راسخ ۱۳۵۰، صفحه ۲۱۵).

جدول سنواتی شمار دانش‌آموزان و مدارس فنی و حرفه‌ای نشان می‌دهد که گرچه تعداد این مدارس در طول پنجاه سال پیوسته روبه افزایش بوده است، اما به هیچ‌وجه با نیازهای جامعه همخوانی نداشته است.

جدول زیر نشانگر رشد بسیار کند آموزشهای فنی و حرفه‌ای است.

پیش از ایجاد مدارس جدید در ایران در دوره قاجارها، آموزشهای فنی و حرفه‌ای به صورت استاد شاگردی انجام می‌گرفت و سازمان و برنامه رسمی خاصی نداشت. پس از گسترش نسبی مدارس جدید در دوره قاجارها (ر.ک اقبال قاسمی پویا، ۱۳۶۹) و گشایش نهادهای تمدنی جدید، در آموزشهای عمومی تحولی نسبی پدیدار گشت، اما آموزشهای فنی و حرفه‌ای گسترش چندانی پیدا نکرد (مرجانی، ۱۳۷۰). پیش از تأسیس دارالفنون، در برخی از شهرهای ایران بویژه در آذربایجان و اصفهان مدارسی به دست مسیونرهای مذهبی تأسیس شد. این گروه از فرستادگان غربی دهها مدرسه در ایران ساختند که در برخی از آنها ضمن آموزش علوم جدید، حرفه‌هایی مانند قالبی‌بافی، آهنگری، خیاطی و جز اینها آموزش داده می‌شد (قاسمی پویا، ۱۳۶۹/مرجانی، ۱۳۷۰/محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴).

در مدرسه دارالفنون (۱۲۶۸ ه.ق) که به منظور تربیت نیروی انسانی لازم در زمینه‌های اداری، نظامی، علمی، فنی و پزشکی تأسیس شد، شاگردان، هم درسهای نظری داشتند و هم درسهای

تعداد آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای

سال تحصیلی	کشاورزی	آموزش خدمات	آموزشگاه حرفه‌ای	هنرستان فنی
۱۳۲۲-۲۳	۱	-	-	۹
۱۳۳۲-۳۳	-	-	-	۹
۱۳۴۲-۴۳	۱۸	۸	۳۹	۳۱
۱۳۵۲-۵۳	-	۹۲	۱۰۴	۱۴۳
۱۳۶۲-۶۳	۴۶	۳۸۶	-	۳۲۳
۱۳۷۰-۷۱	۷۳	۴۶۱	-	۴۲۶

## شمار دانش‌آموزان آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای

سال تحصیلی	دختر	پسر و دختر
۱۳۲۲ - ۲۳	-	۱۵۷۲
۱۳۳۲ - ۳۳	۱۴۸	۷۸۷
۱۳۴۲ - ۴۳	۱۵۴۰	۱۰۴۶۷
۱۳۵۲ - ۵۳	۱۲۰۳۲	۶۹۶۸۲
۱۳۶۲ - ۶۳	۲۶۲۲۹	۱۴۷۷۶۵
۱۳۷۰ - ۷۱	۵۲۴۵۲	۲۶۰۵۷۶

منبع: آمار وزارت آموزش و پرورش ۱۳۷۰ - ۷۱

بررسی آمار و ارقام فوق نشانگر آن است که به رغم تعداد رو به افزایش آموزشگاهها و هنرجویان، رشد آموزشهای فنی و حرفه‌ای با نیازهای کشور و رشد جمعیت متناسب نبوده است.

### اهمیت تربیتی آموزش فنی و حرفه‌ای

آموزشهای فنی و حرفه‌ای علاوه بر اهمیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نقش مهمی در تربیت نوابگان جامعه ایفا می‌کند. آموزشهای فنی و حرفه‌ای معمولاً از پانزده سالگی به بعد شروع می‌شود. در این سن نوجوانان با تحولات عمیق روانی و شخصیتی روبرو می‌شوند که از نظر تربیتی بسیار قابل توجه است. در این دوره است که به گفته پیاز، روان‌شناس نامی سویس، نوجوانان به مرحله تفکر انتزاعی و منطقی می‌رسند و برعکس دوره‌های کودکی می‌توانند مسائل فکری را به صورت نظری بررسی کنند و به نتایج منطقی و نودست یابند. در این دوره است که فراگیری انتزاعی به افق فکری نوجوانان وسعتی فوق‌العاده می‌بخشد. نوجوانان می‌توانند به کمال مطلوب بیندیشند و در مورد مطالب مغایر واقعیتها اظهار نظر کنند و به ساخت و ارائه فرضیه‌ها بپردازند. نوجوان می‌تواند با احتمالات سروکار داشته باشد و حتی در عالم خیال و بلند پروازیهای ذهنی سیر کند که این وضع

از نظر اختراعات و اکتشافات بسیار مفید است. گفتنی است که بسیاری از دانشمندان و مخترعان از این دوره سنی خود به نیکی یاد کرده و رسانده‌اند که در همین سنین بوده است که به تفکر و تخیل پرداخته و به اختراعات و اکتشافات دست یافته‌اند. جیمز وات، مخترع ماشین بخار زمانی به نیروی بخار پی برد که نوجوانی بیش نبود. وی که با مادر بزرگش زندگی می‌کرد روزی در مقابل اجاق پر از آتش نشسته بود و به جوشش کتری پر از آب نظاره می‌کرد. وقتی آب کتری به جوش آمد و در کتری را به حرکت در آورد، همین واقعه وی را به تفکر و تخیل واداشت و سرانجام به این نتیجه رسید که اگر بخار در کتری را می‌تواند به حرکت وادارد، پس چیزهای دیگر را هم می‌تواند به حرکت درآورد. و این تفکر پایه انقلاب بزرگی در زمینه ماشینها شد. در این دوره است که نوجوانان به محیط طبیعی و اجتماعی خود از منظر نویی می‌نگرند و می‌کوشند این پدیده‌ها را تبیین و تحلیل کنند. با توجه به اینکه یکی از ویژگیهای علم درک روابط پدیده‌ها و شناخت محیط است، مناسبترین دوره برای تربیت علمی همین دوره است. مربیان تربیتی و روان‌شناسان معتقدند که کشف و اختراع، لذت‌بخش و شخصیت ساز است. بنابراین برای اینکه رشد شخصیت نوجوانان را توسعه دهیم لازم است آنان را درگیر کارهای علمی و



است. با آموزشهای فنی و حرفه‌ای است که دست و مغز به همراه هم به فعالیت می‌افتند و در نتیجه جوانان ضمن آشنایی با عالم کار و تلاش و سازندگی به هویت مثبت نیز دست می‌یابند.

در شرح حال انشاین آمده است که وقتی ۵ ساله بود به او آهن ربا دادند. این آهن ربا کنجکاو وی را به آن حد برانگیخت که در ذهن او پرسشها ایجاد کرد. همین پرسشهای دوران کودکی در بزرگسالی او را برانگیخت تا در زمینه نیروی مغناطیس و نیروی جاذبه زمین به پژوهش بپردازد. اديسون وقتی ۸ ساله بود به او یک دستگاه شیمیایی دادند. پس از آن پیوسته به آزمایشهای گوناگون می‌پرداخت که برخی از آنها به طور تصادفی انفجارهایی ایجاد کرد که مادرش را به وحشت انداخت (یونسکو، ۱۹۸۳، صفحه ۳۸) ولی همین کنجکاوهای دوره کودکی به اختراعات شگرف وی منتهی شد.

انشاین در مورد علوم و تکنولوژی و لزوم آموزش آن در مدارس می‌گوید: "مهمترین انگیزه

پژوهشی بکنیم. در جهان امروز جوانان بخش بزرگی از پژوهشگران کشورهای پیشرفته را تشکیل می‌دهند، پس فراهم کردن امکان کار و تحقیق برای نوجوانان علاوه بر پیامدهای مفید اقتصادی و اجتماعی، شخصیت آنان را نیز انسجام می‌بخشد و در آنان هویت فردی ایجاد می‌کند.

اریکسون، که در زمینه رشد شخصیت کودکان و نوجوانان به پژوهش پرداخته است، برای هر دوره از دوره‌های رشد کودک و نوجوان ویژگی خاصی یافته است. وی معتقد است که در دوره نوجوانی، نوجوانان به دنبال هویت‌یابی هستند و درگیر شدن در کار فکری و دستی می‌تواند گامی به سوی هویت‌یابی مثبت آنان باشد و از ناهنجاریهای روانی و رفتاری احتمالی پیشگیری کند.

نوجوانان در این دوره پرتنش و طوفانی تشنه کار و فعالیت هستند. پس وظیفه برنامه‌ریزان آموزشی است که این امکان را برای آنان فراهم سازند. آموزش فنی و حرفه‌ای یکی از راههای بسیار سودمند و مفید در پرورش شخصیت نوجوانان



درصد

۱

۱/۵

۳/۵

۱۱

۸۳

(بولتن یونسکو، ۱۹۸۰، صفحه ۲۷۲).

در مورد حفظ و نگهداری آموخته‌ها نیز آمده است که:

۱۰ درصد آنچه خوانده‌ایم در یاد می‌ماند،

۲۰ درصد آنچه دیده‌ایم در یاد می‌ماند،

۳۰ درصد آنچه دیده‌ایم و شنیده‌ایم در یاد می‌ماند،

۵۰ درصد آنچه خود می‌گوییم در یاد می‌ماند،

۷۰ درصد آنچه ضمن گفتن به آن عمل می‌کنیم در یاد می‌ماند (همان منبع).

با توجه به اینکه فقط در آموزشهای فنی و حرفه‌ای است که ضمن گفتن از چیزی به آن عمل هم می‌کنیم، اهمیت یادگیری این نوع آموزشها نیز در مقایسه با آموزشهای نظری روشن می‌شود.

حش

چشایی

لامسه

بویایی

شنوایی

بینایی

برای کار در مدرسه و زندگی لذت از کار است. لذت از نتیجه کار و دانشی که برای جامعه به ارمغان می‌آورد. تقویت این نیروی روانی در جوانان مهمترین وظیفه مدرسه است (همان، صفحه ۴۲).

اهمیت کار برای نوجوانان تا بدان حد است که بسیاری از بیماریهای روانی را با کار مداوم می‌کنند که به روش کاردرمانی شهرت یافته است. بنابراین آموزشهای فنی و حرفه‌ای می‌تواند علاوه بر دستاوردهای دیگر، سلامت روانی نوجوانان را نیز فراهم سازد.

بررسی جامعه‌شناسان و مربیان تربیتی نشان می‌دهد در جوامعی که نوجوانان پا به پای دیگر قشرهای اجتماعی در تولید و فعالیتهای اجتماعی شرکت دارند، تنشها و کجرفتاریها بسیار کم است.

(DAVIDOW, 1976)

از نظر یادگیری و حفظ و نگهداری مطالب آموخته شده نیز، آموزشهای فنی و حرفه‌ای تأثیر تربیتی فراوان دارد. پژوهشها نشان می‌دهد که درصد یادگیریها در ارتباط با حواس گوناگون به این شرح است:

### چه باید کرد؟

با توجه به آنچه گذشت، این پرسش پیش می‌آید که چگونه می‌توان آموزشهای فنی و حرفه‌ای را گسترش داد؟ اگرچه پاسخ به این پرسش خود مستلزم پژوهش و بررسی جداگانه‌ای است، اما به عنوان چشم‌اندازهای کلی به نکاتی چند اشاره می‌شود:

- آموزشهای فنی و حرفه‌ای نباید به مدارس رسمی کشور محدود باشد، بلکه لازم است بخشها و نهادهای گوناگون صنعتی، تجاری و کشاورزی نیز به این مهم بپردازند.

- آموزشهای فنی و حرفه‌ای باید از دوران آموزشهای ابتدایی، حتی قبل از دبستان و در خانواده‌ها، شروع شود و در تمام دوران تحصیلی استمرار یابد.

- در برنامه‌ریزیهای کلان اقتصادی - اجتماعی آموزشهای فنی و حرفه‌ای به عنوان پیش شرط توسعه اجتماعی و اقتصادی از اولویت لازم برخوردار باشد.

- تداوم آموزشهای فنی و حرفه‌ای علاوه بر دوران تحصیل، در طول زندگی افراد نیز ضرورت دارد.

- آموزشها باید متکی به پژوهش و تحقیق بنا گردد و پیوسته مورد ارزشیابی و بازنگری قرار بگیرد.

- آموزشها باید براساس نیاز سنجی، با استفاده از دست اندرکاران محلی در مناطق مختلف و به صورت غیرمتمرکز برنامه‌ریزی شود.

- کیفیت آموزشها با استفاده از تجارب کشورهای موفق ارتقاء یافته، با معیارهای قابل قبول جهانی سازگار گردد.

- تربیت معلمان و کارکنان آگاه و ماهر و تمهید تجهیزات لازم مورد توجه ویژه قرار گیرد.

- برنامه‌ریزیها متضمن ایجاد انگیزه و جاذبه باشد و با سیاستهای تبلیغی به جذب افراد در

آموزشهای فنی و حرفه‌ای کمک کند.

در خاتمه خاطر نشان باید شد که آموزشهای فنی و حرفه‌ای به عنوان زیر مجموعه نظام آموزش و پرورش کشور زمانی کارساز خواهد بود که در کل نظام آموزش و پرورش دگرگونی حاصل آید. در ارتباط با دگرگونی کلی در آموزش و پرورش یکی از صاحب‌نظران تربیتی با توجه به شرایط جامعه پس از انقلاب اسلامی دو طرح گونه<sup>۱</sup> برای آموزش و پرورش کشور ارائه داده است (امیرحسین آریانپور، ۱۳۶۳). در این طرحها با توجه به دو هدف کلی، یعنی مبارزه با قدرتهای استکباری جهان و برقراری حکومت مستضعفان، اهداف آموزشی به شرح زیر بیان شده است:

استقلال اقتصادی در گرو تأسیس مدارس فنی و حرفه‌ای و گنجاندن کار در برنامه است. و این امر با استقلال فرهنگی، خودکفایی و مبارزه با استکبار ارتباط تنگاتنگ دارد. نکته دیگر اینکه تحول در آموزش و پرورش بسطور کلی و مدارس فنی و حرفه‌ای خصوصاً، ارتباط مستقیمی با دیگر جنبه‌های اجتماعی و سیاسی دارد.

### پاورقی:

۱ - در آغاز این طرح آمده است: در اوایل سال ۱۳۶۰ شهید سید کاظم موسوی، از طرف وزیر آموزش و پرورش وقت - شهید دکتر محمد جواد باهنر - از این معلم ناچیز خواستار شدند که برای اصلاح آموزش و پرورش نکته‌هایی معروض دارم. این دو طرح گونه نمودار آن نکته‌هاست. یکی تغییرات سبک و سریع و دیگری برای دگرگونی بنیادی و دیرنده.